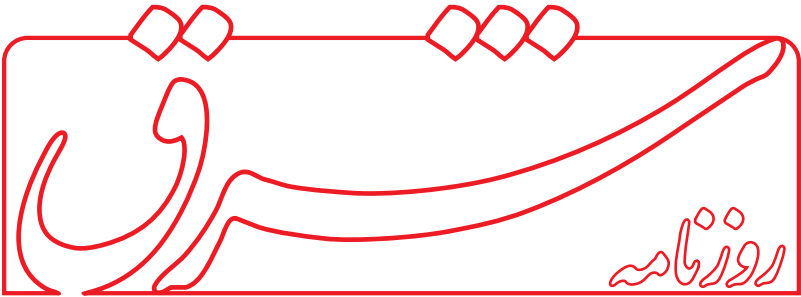




روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین،خیابان الوند،کوچه آرشیا، پلاک ۶
تلفن: ۰۲۷۰۸۸۶۵۳۳۹۰ نامبر: ۰۷۱۹-۸۸۸۸۰۰۰۰ تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷
امور مشترکین: تلفن: ۰۲۲-۸۸۸۱۴۳۳۰
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵-۶۶۲۷۲۱۳۰
چاپ: گل‌ریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲
www.sharghdaily.ir

تهران : آذان ظهر ۱۱:۴۸ آذان مغرب ۱۷:۲۳ آذان صبح فردا ۵:۰۷ طلوع آفتاب ۶:۳۳



پنجشنبه ۱۶ آبان ۱۳۹۲ ۳ محرم ۱۴۳۴ ۷ نوامبر ۲۰۱۳ سال یازدهم شماره ۱۸۷۶ ۱۶صفحه



اجرای «سپنج رنج و شکنج، استادمحمد

شرق: نمایش «سپنج رنج و شکنج» اثری اجراشده از زنده‌یاد محمود استادمحمد روی صحنه رفت. این نمایش را احسان حاجی‌پور کارگردانی کرده. او پیش از این، نمایش «دیوان تناترال» اثری دیگر از استادمحمد را روی صحنه برده بود. در «سپنج رنج و شکنج» عزت‌الله مهرآوران، احسان کرمی و... به ایفای نقش می‌پردازند. نمایش «سپنج رنج و شکنج» تا ۲۰ آبان، ساعت ۱۹ در سالن «گوشه» فرهنگسرای نیاوران اجرا می‌شود.

با شاعر

آینده را زندگان می‌سازند



بهروز گرانپایه

گیاهان را رنگ می‌زنیم
و حرف بر زبان پرندگان می‌گذاریم
کسی به‌جای انسان اما
نه می‌تواند بنوشد یا ببیندش
شوخی می‌مزه‌ای است:
«به‌جای مردگان اندیشیدن
و از جانب مردگان سخن گفتن»
آینده را زندگان می‌سازند

ادامه از صفحه اول

تکلیف «ادبیات» در دولت «روحانی»

همه جا گوش به گوش و دهان به دهان
مخابره می‌شود که: روحانی مچگریم!
پرده گمشده: بخیل نیستیم و خوشحالی‌م که
رییس‌جمهورمان به هنر اهمیت می‌دهد، می‌داند
هنر تجسمی چیست و احصایی کیست! می‌داند
موسیقی چه رنگ و جانی دارد و شجریانی دارد
و... می‌داند سینما هنر مهمی است و توده به آن
علاقه‌مند و خانه‌سینما را باید به اهلس سپرد،
باور کنید بخیل نیستیم اما سوالی که از همان
«پیش‌پرده» -که خردادماه ۹۲ اجرا شد- تا به
امروز در ذهن بخش مهمی از اهالی فرهنگ
تکرار می‌شود این است که در گفتمان فرهنگی
دولت یازدهم جای اهالی ادبیات کجاست!
و این سوال تکرار می‌شود که چرا در ردیف
نام‌هایی چون احصایی و شجریان و خانه‌سینما
و دیگری که به آنها ظلمی در دولت قبل رفته
بود نام هیچ‌کدام از اهالی ادبیات وجود نداشت!
چرا هیچ‌کدام از مشاوران رییس‌جمهور
هنگام مشاوره به ایشان از «محمود دولت‌آبادی»
و «کلل» سخنی به میان نیاوردند!

چرا وقتی کار به تحقق وعده‌ها و بازگشایی
پلمب‌ها رسید؛ وزیر ارشاد و معاونانش نام نشر
مهم و تاثیرگذار ایران؛ «چشمه» به ذهنشان
خطور نکرد و انتظارات اهالی ادبیات را برای
رفع تعلیق این نشر -که در دولت احمدی‌نژاد به
محاق رفت- برآورده نکردند و هرچه ما نوشتیم
و گفتیم هم گویا با به گوششان نرسید یا زبانشان
لال خودشان را به نشنیدن زدند... یا اگر نخواهیم
یک‌طرفه به قاضی رفته باشیم اقداماتی برای رفع
تعلیق نشر چشمه انجام داده‌اند! اما به نتیجه
نرسیده‌اند! راستی چرا به نتیجه نرسیده‌اند؟

مگر نه اینکه «ادبیات» هنر اصلی ایرانیان از
دیرباز بوده است و آقای رییس‌جمهور در همان
منظره یادشده از عقبه فرهنگی کشورمان تنها
به «حافظ» بسنده کردند! پس چرا در میان
معاصران فرهنگی کشور، ادبیات مورد عنایت
و احیاناً مهرورزی نیست، حتی دولت اعتدال
ایشان!

پرده‌آخر: در بُعد کلان، رواست رییس‌جمهور
کشورمان برای یکبار هم شده نیم نگاهی به
ادبیات ایران داشته باشند و بدانند همین نگاه
می‌تواند برای ادبیات رو به افول کشورمان
نجات‌بخش و آغازکننده دوره‌ای جدید باشد،
چه آنکه مسلمان این نگاه مثبت می‌تواند به
تصمیم‌گیران فرهنگی کشور هم تسری پیدا کند
و موجب احیا، ارتقا و رشد هنر دیرین ایرانیان
شود.

ورای نظر رییس‌جمهور که بسیار مهم است،
به گمانم جناب جنتی و معاونان محترمشان باید
هرچه زودتر تکلیفشان را با «ادبیات» مشخص
کنند و بگویند اگر هنوز به ادبیات و اهالی آن
اعم از شاعر و نویسنده -مانند دولت مهرورز
قبلی- به چشم «غیر» «عنصر نامطلوب» و
«مازم» نگریسته می‌شود اهالی ادبیات هم
تکلیف‌شان را بدانند و بیش از این خاطر عاطر
دولتمردانمان را نرنجانند و مدام نق زنند که
تکلیف ممیزی چه می‌شود، تکلیف نشر «چشمه»
و دیگر ناشران تعلیقی چه می‌شود، تکلیف رمان
مهم «کلل» محمود دولت‌آبادی چه می‌شود، و
چه و چه و چه. و سرانجام مساله‌ای که پس از
تمامی این تکالیف رخ می‌نماید همان است که
در تمامی سطور قبلی مستر است و آن اینکه،
آیا قرار است در دولت «تدبیر و امید» خیل
بی‌شمار نویسندگان و شاعران مستقل ایران جزو
گنجینه فرهنگی و احیاناً سفیران فرهنگی کشور
محسوب شوند؟ یا اینکه ایشان هنوز دیگرانند.

تالار اصلی

عامدانه، قاتلانه، عاشقانه



لیلی گلستان

همه ما کمابیش روزنامه می‌خوانیم و کمابیش تر
صفحه حسودانش را نگاه می‌کنیم. من هر روز
روزنامه می‌خوانم و اولین صفحه‌ای که نگاه می‌کنم،
صفحه حوادث است.
خواندن ماجراهای این صفحه برایم عجیب،
جذاب و تاثیرگذار است. می‌تواند تمام روزم را
خراب کند؛ می‌تواند دنیا را روی سرم آوار کند
(به خدا مازوخیست هم نیستم). تمام روز به فکر
فرو می‌روم که چطور می‌شود آدم کشت آن هم
به این راحتی. چطور می‌شود به دلیل یک اهانت،
یک خیانت یا یک خواست برای زندگی بهتر یا
دفاع از خود، آدم کشت. چطور می‌شود بچه‌ها را
آزار و اذیت کرد و بعد شب با دختر کوچک در
اتاق بنشین، تلویزیون تماشا کنی و شام بخوری.
زن‌ها بیشتر می‌کشند و دلایل آدم‌کشتنشان
بسیار متفاوت از مردان است. شهلا جاهد که از
عشق دیوانه شده بود رقیبش را کشت و کبری که
مادرشوهرش را کشت (که از همه بیشتر برایش
دل سوزاندم و تمام روند این سال‌هایش را دنبال
کردم) از تحقیر و توهین جانش به لب رسیده
بود و بعد فاطمه -می‌دانم اسمش را درست
می‌گویم - در کیش دوست شوهرش را که قصد
تجاوز به او را داشت، کشت، برای دفاع از خود
چاره‌ای جز این نداشت. حالا می‌بینم دغدغه من،
دغدغه سائاز بیان، کارگردان این نمایشنامه هم
هست. نمایشنامه «عمدانه، عاشقانه، قاتلانه» در
تالار شمس. همه‌چیز به درستی دست به دست
هم داده بودند تا حسایی این نمایشنامه روی ما
تاثیر بگذارد که تاثیر گذاشت؛ صحنه‌رایی ساده
و بسیار فکرشده، با آینه‌های روبه‌رو و شیشه‌های

گزارش یک سفر

با «بهزاد فراهانی» درباره «ژان کلود کاریر»

ایران، آموختنی بسیار دارد

عسل عباسیان



یکی از کسانی که
«ژان‌کلود کاریر» -
فیلمنامه‌نویس مطرح
فرانسوی- در طول
مدت حضورش در
ایران میهمانش شد،
«بهزاد فراهانی» بازیگر
و کارگردان بود. آنها
به‌همراه نهال تجدد-
همسر کاریر - به دیدن نمایش -سنگ در
جیب‌هایش- رفتند. «فراهانی» که خود بناست
به‌زودی نمایش «خون و گل سرخ» را با بازی
«بابک حمیدیان» بر صحنه تالار حافظ بیآورد،
درباره همراهی‌اش با «ژان کلود کاریر» به ما گفت:
«ژان کلود همسری ایرانی دارد و تقریباً مدام و
هرساله به ایران می‌آید. امسال هم که آمد، برای
سکونت به شهر ساری رفت چون در آنجا قوم و
خویش دارند. خوشبختانه توانستم یک شب با
هم باشیم. به تماشای تئاتر آقای «پارسا پورپورفر»
رفتم؛ تئاتری با عنوان «سنگ‌ها در جیب‌هایش»
که بسیار موردپسند آقای «کاریر» واقع شد، تا
جایی که از گروه این نمایش دعوت کرد تا برای
فستیوال تئاتر «مون‌پولی» به فرانسه بروند. چون
خودش یکی از اعضای هیأت زوری این فستیوال
مطرح تئاتر است.» «فراهانی» سپس درباره علاقه
بسیار «کاریر» به ایران و فرهنگ ایران توضیح
داد: «نهال تجدد - نویسنده مطرح ایرانی
مهم - همسر اوست. بانوی شریفی که می‌توان از او
بسیار آموخت. پس طبیعی است که «ژان‌کلود»
ایران را دوست بدارد و هرازگاهی به اینجا سر

داستان کوچک

هفت صبح

مکس رویک . برگردان: هادی عظیمی

هنوز قلاده و بند را محکم در دهاش می‌گیرد و
برایت می‌آورد. درحالی‌که دمش را تکان می‌دهد، کنار
تخت منتظر می‌ماند. فقط حس می‌کند یک جای
کار می‌لنگد؛ وقتی نگاهش به پاهای مصنوعی‌ای که
به ویلچر تکیه داده‌اند می‌افتد، زوزه‌ای می‌کشد. یک
بمب کنار جاده‌ای در گرگومیش غروبی در عراق.

هافبک چپ

«اسطوره» شکستنی است، با احتیاط حمل شود



سحر طلوعی

تا پایان بازی صبر می‌کرد و روی نیمکت تیم محبوب
می‌نشست؛ نباید فضای استادیوم را به نفع تیم خودی
حفظ می‌کرد؛ حتماً باید تمرکز نکتنان خودی را به
هم می‌زد؛ مجیدی تمرکز تیمش را به هم زد و سکو‌ها را
به نفع خود منداره کرد، اما باز هم لقب اسطوره گرفت؛ نه
فقط از تماشاگران احساساتی که از روزنامه‌نگاران! اسطوره؟
شوخی نکنید. بحث فرمز و آبی نیست. بباید با هم رفتار
علی کریمی را مرور کنیم. نزدیک‌ترینش پایان جام‌حذفی
سال ۹۲-۹۱ است. مهدوی‌کیا در بازی فینال مغمو و
غریبانه از جمع سرخ‌ها خداحافظی می‌کند، اما خبرگزاری‌ها
در کنار این خبر، ناگهان خبر خداحافظی علی کریمی را
هم منتشر می‌کنند. چرا؟ نمی‌دانیم. او خداحافظی کرده
اما سر از تیم تراکتورسازی تبریز درمی‌آورد. لابد ماجراهای
کریمی، استیل‌آدین و تبریز را به خاطر دارید. بازیکنی که
مدتها نمایل ندارد راهی تبریز شود تا طبق قرارداد برای
۳- نیم‌فصل سال ۹۱-۹۰ است، استقلال با پرویز
مظلومی و با اختلاف از سپاهان در صدر جدول لیگ است.
پرسپولیس مدتهاست رمقی برای هم‌لودی ندارد. اما معلوم
نیست چرا فیل فرهاد مجیدی یاد هندوستان می‌کند. اوضاع
مالی استقلال تعریفی ندارد؟ گیرم که ندارد فرهاد مجیدی
نگران وضعیت دخترش در امارات است؟ گیرم که باشد. اینجا
همه شایعه است؟ هرچه هست هندوستان مجیدی، قطر
می‌شود و «اسطوره» آبی ناگهان سر از الغرافه درمی‌آورد! از
نشان‌دادن عکس امیر قطر روی پیراهنش بگذریم. استقلال
نه‌تنها بازی برگشت داری را بدون مجیدی به رقیب سنتی و
سرخ خود می‌یازد که قهرمانی لیگ را هم از دست می‌دهد و
سپاهان سه باره بر صدر می‌نشیند. غیبت مجیدی تاثیرگذار
است. دست‌کم در گلزنی و روی سکو‌ها که انطور به نظر
می‌رسد. شرط اسطوره شدن، وفاداری به باشگاه و هوادار
نیست؟ چرا راه دور برویم، همین خداحافظی هفته گذشته
را مرور کنیم. تنها سه بازی تا پایان نیم‌فصل باقی مانده
است. مهاجمان استقلال جز مجیدی، حال و روز خوبی
ندارند؛ برهانی برای پیگیری کراهیش به دوی سفر کرده،
قاسمی مصدوم بوده و تازه یا به توپ شده، نظری آن بازیکن
فضل پیش فجر نیست. اکبرپور هم که مصدوم می‌شود،
اما مجیدی تصمیم گرفته از فوتبال خداحافظی کند و
می‌کند. تنها چند دقیقه مانده بازی استقلال و مس تمام
شود. مجیدی تعویض می‌شود، اما همان لحظه پیراهنش
را از تن در می‌آورد و چهار گوش را می‌پوسد و تمام! نباید

از هر نظری ضرر

بزغاله در خیابان



پوریای عالمی

● مادر گفت: امروز دیدم دختر زیبایی از تاکسی
پیاده شد...

گفتو: خب خب...

گفت: موضوع حرفم دختر زیبا نیست. موضوع این
بود که دختر زیبا که «بزغاله» بغلش بود، مثل حیوان
خانگی و البته برای مردم هم خیلی جالب بود. ما نیز
به مناسبت ورود «بزغاله» به خیابان، امروز مساله انسان
و حیوان را بررسی می‌کنیم.

تا اینجا متوجه شدیم وقتی همراهداشتن سگ و
گره در خیابان ممنوع است مردم از «بزغاله» به‌عنوان
همراه استفاده می‌کنند. حسن «بزغاله» این است که
جامعه و دولت نسبت به آن واکنش منفی نشان
نمی‌دهند. از طرفی یادمان است آقای احمدی‌نژاد
گفته بود: «بعضی‌ها قیافه روشنفکری می‌گیرند اما
به اندازه بزغاله هم از دنیا فهم و شعور ندارند.» پس
می‌بینیم که «بزغاله» یک مساله بومی است.

همچنین در ۴ شهریور ۱۳۸۶ وقتی در استان
اردبیل و قبل از سفر به جمهوری آذربایجان، مسوولان
می‌خواستند جلو پای آقای احمدی‌نژاد گوساله‌ای را
قربانی کنند آقای احمدی‌نژاد گفت: «این حیوان را
رها کرده و آن را قربانی نکنید.» پس متوجه شدیم
علاوه بر «بزغاله»، جان گوساله برای مسوولان ما چقدر
ارزش دارد.

۲۰۰۱

به نظر ما حالا که طبق مشاهدات عینی پای
«بزغاله» به خیابان بازشده باید به‌زودی شاهد این
باشیم که مردم همراه خود مرغ، خروس، گوساله،
بلدچین، مرغابی، اورانگوتان، دلفین، کانگورو، زرافه
و دیگر حیواناتی را که مخل آرامش عمومی نیستند
به خیابان بیاورند.

آکادمی

مدارگرد اکتشافی هندی و ماه‌نورد چینی

● **گروه علم:** روز گذشته دو خبر مهم فضایی در
رسانه‌ها منتشر شد. خبر اول اینکه هند، سه‌شنبه ۱۴
آبان ساعت ۱۲:۳۸ به وقت تهران، مدارگرد اکتشافی
مریخ با هدف بررسی جو و یافتن نشانه‌های احتمالی
حیات در سیاره سرخ را از جنوب این کشور به فضا
پرتاب کرد. پیش از این بسیاری از ماموریت‌های
اکتشافی مریخ (مانند ماموریت ژاین در سال ۲۰۰۳
و ماموریت چین در سال ۲۰۱۱) با شکست مواجه
شده‌اند و در صورت موفقیت هند در اجرای ماموریت
مدارگرد مریخ، این کشور نخستین کشور آسیایی
است که علاوه بر ناسا و سازمان فضایی اروپا (سا)
وروسیة توانسته است کاوشگری را به مدار (س)
ارسال کند. مدارگرد مریخ هند، در صورت موفقیت،
پس از سفری ۲۹۹ روزه، شهریور ۹۳ به سیاره سرخ
می‌رسد. خبر دوم اینکه مقام‌های چینی در شانگهای،
از اولین ماهرود این کشور رونمایی کرده‌اند که به
گفته آنها ماه آینده به‌عنوان سومین کاوشگر ماه فضا
پرتاب می‌شود. این ماهرود شش چرخ که آکادمی
فناوری پرواز فضایی شانگهای آن را طراحی کرده
است، چهار دوربین دارد و می‌تواند از تپه‌ها و موانع
سطح ماه بالا برود. این کاوشگر همچنین دودست
مکانیکی دارد که می‌تواند خاک سطح ماه را بکند
و نمونه‌هایی از خاک ماه را تهیه کند. این کاوشگر
یک صفحه خورشیدی با ابعاد دارد که برق تولید
می‌کند، اما علاوه بر آن، یک باتری اتمی دارد که
با استفاده از پلوتونیوم ۲۳۸، برق تولید می‌کند و
می‌تواند سال‌ها نیروی دستگاه را تامین کند. این
کاوشگر می‌تواند از شیب‌های تا ۳۰ درجه بالا برود
و در هر ساعت ۲۰۰ متر حرکت می‌کند. به گفته
فرمانده مسوولان، ماموریت این ربات صد کیلوگرمی
حداقل سه‌ماه طول می‌کشد و دانشمندان مستقر در
زمین، باید آن را کنترل کنند که سخت‌ترین بخش
ماموریت است. نمایش این ماهرود را پرتاب اولین
ماموریت هند به مریخ هم‌زمان شد که از تلاش
کشورهای آسیایی برای دستیابی به فضا‌حاکیت دارد.



استعداد